

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۲۹ مهر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: آیه ۲۵ - بشارت سوم و چهارم

مصادف با: ۱۱ صفر ۱۴۴۰

جلسه: ۸

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

در آیه ۲۵ خداوند متعال پنج بشارت به اهل ایمان و عمل صالح داده است، در مورد بشارت اول و دوم مطالبی راعرض کردیم.

بشارت سوم «وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا»

قبلاً اشاره کردیم برخی این جمله را با قسمت قبلی «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا» یکی دانستند و گفتند: مجموع این دو عبارت یک معنا را دلالت می‌کند، ولی ما عرض کردیم ظاهر آن این است که این یک بشارت دیگری است و جمله مستقل و معنای دیگر دارد، که در حقیقت تکمیل بشارت دوم و بیان یک نعمت و مژده دیگر است، در کُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا، خداوند متعال فرمود: یکی از چیزهایی که در بهشت به اهل ایمان و عمل صالح داده می‌شود این است که آنچه را در دنیا از اعمال و عقاید و اخلاق، توفیقش را یافته‌اند این در آخرت مجسم می‌شود، این یک بشارت است که باطن اعمال و عقاید و اخلاق آنها در آخرت آشکار می‌شود و اینها آن اعمال را به صورت روح و ریحان میبینند و از برکات آنها بهره‌مند می‌شوند.

علاوه بر این خداوند متعال یک بشارت دیگر هم به اینها میدهد و آن اینکه «وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا»، یعنی مشابه آنچه که اینها از رزق و ثمرات برخوردار می‌شوند و اعمال و عقاید و اخلاق خود را به صورت مجسم میبینند، مشابه این هم به آنها داده می‌شود. منظور از «متشابه» مشابهت به معنای عام است، این یک چیزی زائد بر اعمال و عقاید و اخلاق مجسمه است، نه تنها عین آنها و واقعیت و حقیقت آنها را در بهشت میبینند، بلکه اضافه بر این مشابه آنها هم به آنها داده می‌شود. یعنی ثمره و رزق شبیه آن اما غیر از آن، لذا یک بشارت مستقل و جدید است.

در برخی روایات وارد شده است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ، مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ». خداوند تبارک و تعالی فرموده: من برای بندگان صالحم چیزهایی در بهشت مهیا کرده‌ام که نه گوشی شنیده، و نه چشمی دیده و نه به قلب کسی خطور کرده است. این منافاتی ندارد با اینکه فرمود: «وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا»، چون در واقع کَانَ نِعْمَتَهَايِ خُداوند و ثمرات و رزق خداوند در دنیا سه مرتبه دارد:

مرتبه اول: که حتمی و قطعی است و پایینترین مرتبه بهشت از آن بهره‌مند می‌شود، و قدر متیقن این اعمال و عقاید و اخلاقی است که در بهشت تجسم پیدا کرده است.

مرتبه دوم: «وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا» است، متشابه اینها هم به آنها داده می‌شود.

مرحله سوم: این است که نعمتهای دیگری غیر از این دو نعمت، که نه کسی شنیده، و نه چشمی دیده و نه به قلب کسی خطور کرده است، اینها را هم ما به بندگان صالح میدهیم، این میتواند جسمانی و مادی باشد، که البته در دنیا نه اسم و وصف آن مطرح نبوده است، میتواند از سنخ نعمتهای معنوی باشد که اساساً قابل دیدن نبوده و به عبارت دیگر در دنیا موضوع نداشته است، اینکه چه نعمتهایی میتواند باشد بعضاً اشاره شده است.

پس عمده این است که «وَأُتُوا بِمُتَشَابِهًا»، در این آیه در واقع یک بشارت جدید است که خداوند به اهل ایمان و عمل صالح میدهد که خداوند علاوه بر آن تجسم ارکان سه‌گانه که خودش یک ثمره و رزقی است و آنها می‌گویند از قبل روزی و رزق ما شده است، مشابه آن را به آنها می‌دهد.

همانطور که اشاره کردم این تشابه یک تشابه عام است اما در برخی از روایات به بعضی از جهات این تشابه اشاره شده است مثلاً در روایتی ذیل همین آیه از امام عسکری (ع) وارد شده است در بیان «وَأُتُوا بِمُتَشَابِهًا»، که حضرت فرمودند: «يُشَبِّهُ بَعْضُهُ بَعْضًا بِأَنْهَا كُلُّهَا خَيْرًا لَا رَدَّلَ فِيهَا... مُتَشَابِهًا أَيْضًا مُتَّفَقَاتِ الْأَلْوَانِ مُخْتَلِفَاتِ الطُّعُومِ»، یعنی بعضی از اینها به بعضی دیگر شبیه هستند، به اینکه همه اینها بهترین هستند و برگزیده و اختیار شده هستند و در آنها هیچ پستی و چیزی که یک شائبه‌ای از ردالت و نقصان باشد وجود ندارد، پس یک وجه شباهت این است که اینها همه از بهترینها هستند، و وجه دیگر شباهت این است که اگر چه رنگهای این ثمرات یکسان است، اما طعمهای آنها مختلف است، اینقدر تنوع وجود دارد که هرچند به ظاهر اینها شباهت دارند اما در واقع هر کدام برای خود کأن یک حقیقت مستقلی محسوب می‌شوند.

نظیر همین مضمون از ابن مسعود در در المنثور،^۲ وارد شده است که در ذیل این فقره از آیه «وَأُتُوا بِمُتَشَابِهًا»، فرمودند: «اللون و المرئی و لیس یشبه الطعم»، اینها به حسب مرئی و رنگ به نظر میرسد که به هم شبیه هستند اما در واقع طعم آنها با هم متفاوت است.

خود اینها قرینه است برای اینکه «وَأُتُوا بِمُتَشَابِهًا» بشارت جدیدی غیر از «رزقنا من قبل» است. این بشارت می‌دهد که بغیر از آنچه که آنها می‌گویند از قبل به ما داده شده است، چیزی شبیه آن هم به آنها داده می‌شود، کأن شباهت یک شباهت ظاهری است، اما نه واقعی، چون وقتی می‌گوید: طعم اینها مختلف است، معلوم می‌شود که از نظر ظاهر و رنگ به نظر می‌آید که اینها شبیه هم هستند اما در واقع متفاوت هستند.

توجه به این نکته هم لازم است که این روایاتی که «وَأُتُوا بِمُتَشَابِهًا» را اینگونه معنا کرده اند، در واقع تفسیر نیستند بلکه تطبیق هستند، بارها بیان کردیم که روایاتی که در ذیل آیات قرآنی بعضاً به همین معنا وارد می‌شود و تبیین می‌کند

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۰.

۲. در المنثور، ج ۱، ص ۹۶.

معنای آیه را اینها قبل از اینکه تفسیر باشد، تطبیق و بیان یک مصداق هستند، ولی نافی معانی دیگر نیستند، قبلاً چند نمونه بیان کردیم.

پس معنای «وَأَتُوا بِهٖ مُتَشَابِهًا» این است که خداوند علاوه بر تجسم ارکان سه‌گانه تشکیل دهنده هویت انسان (عقیده و اخلاق و عمل) مشابه آنها هم به بندگان خود می‌دهد و این تشابه در جهات مختلف است و چه بسا این تشابه ظاهری باشد اما به حسب واقع یک جنس و حقیقت دیگری باشد.

چه اینکه امام صادق(ع) می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا، سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ، عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ»، نسبت آنچه که در دنیا وجود دارد و آنچه که در آخرت وجود دارد این تعبیر امام صادق(ع) است که: هرچه در دنیا است شنیدنش خیلی بزرگتر است از واقعیت و حقیقت آن، مثل یک طبل بلند آواز است، اما آنچه که در آخرت است، واقعیت و حقیقت آن خیلی بیش از شنیدن آن است، ما در مورد نعمتهای بهشت یا عذابهای جهنم می‌شنویم، خود این شنیدن بسیار بزرگ است، برخی از عذابها آنچنان موحش و هول‌انگیز است که چه بسا برای برخی قابل تصویر نباشد، علی‌رغم این موضوع امام صادق(ع) می‌فرماید: آنچه که از عذاب آخرت گفته می‌شود در مقایسه با واقعیت آن ناچیز است، در مورد بهشت هم همینطور است، این همه توصیفاتی که درباره بهشت می‌شود، «ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار» اینکه جنت تحت اراده مالکانه انسان باشد، اینکه رزق و ثمرات زیادی به او داده می‌شود، مشابه آنها هم داده می‌شود، بعد هم مسئله ازواج مطهره و «هم فيها خالدون» خود اینها برای ما عظیم و بزرگ است اما واقعیت آن در آخرت اعظم من السماع است، خیلی بزرگتر از آن چیزی است که الان در مورد آنها می‌شنویم، بر همین اساس می‌توانیم بگوییم آنچه که در قیامت به انسانهای مؤمن و صالح داده می‌شود از این جهت شبیه دنیا است که بالاخره ما می‌شنویم و قیاس می‌کنیم نعمتهای آنجا را با اینجا، انهار و اشجار و جریان نهرها تحت الاشجار یا تحت الجنة، ما در مورد اینها چیزی را می‌شنویم که شبیه آن در این دنیا وجود دارد، اما «عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ» این شباهت در حد بسیار بسیار ناچیز است ولی حقیقت و واقعیت آن خیلی فراتر از اینها می‌باشد.

علی‌ای حال این یک بشارت سومی است که خداوند در این آیه به اهل ایمان و عمل صالح داده است.

بشارت چهارم «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»

برای اهل ایمان و عمل صالح در بهشت ازواج مطهره است، ما قبلاً در بیان مفردات آیه عرض کردیم که ازواج جمع زوج است و زوج هم به زن اطلاق می‌شود هم به مرد، علی‌رغم اینکه شاید تصور این باشد که زوج فقط به شوهر اطلاق می‌شود، اما از نظر معنای لغوی زوج یعنی قرین، و قرین هم بر مرد قابل اطلاق است و هم بر زن، لذا در اینجا می‌فرماید «وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»، یعنی مردان صالح و مؤمن، «وَلَهُمْ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»، زنان مؤمن و صالح «وَلَهُمْ أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»، یعنی هر کدام از اینها قرینه و زوج و همراهانی دارند که مطهر هستند.

متعلق طهارت را در اینجا بیان نکرده است، پاکی از چه اموری؟ به حسب قاعده حذف متعلق افاده عموم می‌کند، وقتی می‌گوید «أزواجٌ مطهَّرةٌ»، یعنی ازواج پاک و طاهر «من جميع الجهات عن الاقدار الخلقية و الخلقية» یعنی طهارت اینها هم جسمانی است و هم روحانی.

در روایات بسیاری این طهارت را بر طهارت از حیض و نفاس تطبیق کرده است، مثلاً در این روایت که در ذیل این آیه وارد شده است، «عن الصادق (ع): الأزواج المطهَّرة اللاتی لا یحضن و لا یحدثن»^۱، کسانی که نه حدث از آنها سر میزند و نه حیض می‌شوند، این احداثی که معمولاً برای زنها اتفاق می‌افتد از اینها پاک هستند، که به اینها اقدار خلقی یا احداث خلقی گفته می‌شود، یعنی به جسم و خلقت شخص مربوط می‌شود، اما این منحصر در این نیست، اگر هم روایات متعدد فقط به این بخش و جنبه اشاره کرده است، این از قبیل همان جری و تطبیق است، یعنی ما نمیتوانیم به استناد این روایات بگوییم، پس معنای این آیه همسرانی است که از نظر جسمی کامل هستند، طهارت فقط از حدث نیست، طهارت یعنی پاکی از هر عیب و نقص، مسئله عیب و نقص به معنای عام خود می‌باشد، عیب و نقصهای جسمی در این ازواج نیست، در بین عیب و نقصهای جسمی روایات بیشتر به زنان نظر داشته است و آن هم خصوص طهارت از احداث مختص به زنان، در حالی که اینگونه نیست، در اینجا اولاً هم برای مردان است و هم برای مردان، ثانیاً عمومیت نسبت به احداث خلقی و خلقی است و مختص به احداث خلقی نیست، هر چند اکثر روایات در این بخش وارد شده‌اند.

از ابن عباس هم در تفاسیر اهل سنت نقل شده است که آنها هم همینطور معنا کرده‌اند، «عن ابن عباس فی قوله تعالی: و لهم فیه ازواج مطهَّرة من القذر والأذی.»^۲، البته در اینجا به جنبه های خلقی هم اشاره کرده است و چه بسا از این جهت عمومیت دارد.

ولی عرض کردیم روایاتی که طهارت را به طهارت از اقدار جسمی منحصر کرده است، آنهم بیشتر در مورد زنان، این قطعاً تطبیق و جری است و نه تفسیر، و لذا منافاتی با عمومیت معنای این روایت ندارد، از اقدار خلقی هم پاک هستند، یعنی مردان و زنانی قرین اینها هستند که اهل رذایل اخلاقی نیستند، اهل مکر و حیله و ... نیستند، در تفاسیر هم اینگونه معنا می‌کند که ازواج مطهَّره یعنی زنانی که اهل مکر و حیله نیستند، کأن نگاه این بوده که فقط در مورد زنان است و برجسته ترین خصوصیتی که در زنان ممکن است موجب اذیت همسرشان شود همین مکر و حیله آنها می‌باشد، در حالی که آیه عام است و هم شامل مردان و زنان است و هم شامل اقدار خلقی و اقدار خلقی می‌شود.

بحث جلسه آینده

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید اهل ایمان و عمل صالح در این جنات با این اوصاف و خصوصیات، خلود دارند. در اینجا ما چند بحث مهم داریم: یکی اینکه اساساً معنای خلود در بهشت چیست، نظیر این را ما در مورد جهنم هم داریم،

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۷۰.

۲. جامع البیان، ج ۱، ص ۱۳۷.

اصلاً «خلود فی النار» و «خلود فی الجنة» به چه معنا است. و نکته دیگری که باید بیان شود این است که، اینکه خداوند در آیات قرآن گاهی به مسئله جنت و بهشت اشاره می‌کند و اینکه من اینها را آماده کرده ام، آیا بهشت و جهنم خلق شده و الان موجود هستند یا بعداً موجود می‌شوند؟ اینها بحث‌هایی است که اجمالاً در مورد آنها باید اشاراتی داشته باشیم و یک جمع بندی که این اوصافی که در هر مناسبت به برخی از آن که اشاره می‌کند چگونه با هم قابل جمع است. قبلاً اشاره ای کردیم و انشاءالله جلسه بعد یک جمع بندی در این رابطه خواهیم داشت.

«والحمد لله رب العالمین»